

# دیگه می دارمت کنار

مریم حیدرزاده



## دست گذاشتم رو یکی ...

دست گذاشتم رو یکی که یک قشون خاطر خواشن

همشون هنر دارن ، یا شاعرن یا نقاشن

یا که پشت پنجرش با گریه گیتار می زنن

یا که مجنون می شنو تو کوچه ها جار می زنن

دست گذاشتم رو کسی که عاشقم نمی دونست

سر بودم از خلیا و لایقم نمی دونست

دست گذاشتم رو کسی که مجنون دیوونشن

همه شاهزاده ها ، دربون دور خونشن

دست گذاشتم رو کسی که رنگ چشمش روشنه

شمشاد همسایمون پیش قدش یه سوزنه

دست گذاشتم رو کسی که طعم چشمش عسله

کمترین شعری که تو می شنوی از اون غزله

دست گذاشتم رو کسی که ماه ازش طلب داره

خورشید از شعله ی چشمای اونه که تب داره

دست گذاشتم رو یکی که همه دور و برش

مردشن ، دیوونشن ، مجنونشن ، پرپرشن

دست گذاشتم رو یکی که عاشقاش زیادین

همه جورشو داره ، هم عجیب ، هم عا دین  
دست گذاشتم رو یکی که نه سفیده نه سیاه  
ظاهرش گندمیه ، به چشمم اما کیمیا  
دست گذاشتم رو یکی که داشتش خوابه هنوز  
کمترین شاگرد چشمش خود مهتابه هنوز  
دست گذاشتم رو یکی که عادتش نساخته  
سرنوشت هر کسی که می خواد اونو ، باخته  
دست گذاشتم رو یکی که اون منو دوست نداره  
من تو پاییزم و اون اهل یه جا ، تو بهاره  
دست گذاشتم رو یکی که شعرمو گوش می کنه  
آخرین بیت و می خونه و فراموش می کنه  
دست گذاشتم رو یکی که کهکشون ، قایقشه  
انقدر دوسش دارن ، هر کی خوبه ، عاشقشه  
دست گذاشتم رو یکی که خندش نفس داره  
تو تمام نقشه های خوب دنیا دس داره  
دست گذاشتم رو یکی که دست گذاشته رو همه  
ولی هر کسی رو که تو نشون بدی ، می گه کمه  
دست گذاشتم رو یکی ، ما رو چه به فرشته ها  
برو شاعر ، تو بمونو ، عشقو ، دست نوشته ها

دست گذاشتی رو کسی که از تو خندش می گیره  
اینا رو دلم می گه ، می گه و بعدش می میره  
دست گذاشتن رو کسی آسونه اما ساده نیست  
توی اینجور بازیها ، خوب همیشه اراده نیست  
می نویسم که دیگه رو هیچکی دست نمی ذارم  
ولی نه دروغه من هنوز اونو دوستش دارم  
دست گذاشتم حالا رو قلبمو ، چشممو ، سرم  
تا مٹ تو قصه ها ، از یادم اونو ببرم  
ولی دست ، عاقلتر مونده روی همین یکی  
چرا من بذارمش رو سر و چشم ، الکی

## قصه ی به جای نقشه

به جای نقشه ی بزرگ دنیا  
به کشور پر از بهشت و دریا  
به سرزمین ، پر از رز و شقایق  
مهد به عالم ، آدمای عاشق  
به جا که خشکی و بلندی داره  
تو قدمتش حافظ و سعدی داره  
به عالمه معدن احساس داره  
کوچه هاش عطر زنبق و یاس داره  
به قهرماناش همیشه می باله  
دل کندن از خک زرش محاله  
هر گوشه از او پر افتخاره  
چهار تا فصل عاشق ، بهاره  
خزر ، دنا ، زاگرس و اترک داره  
کلی چیزای تازه و تک داره  
تو عاشقاش لیلی و مجنون داره  
کویر و دریاچه و هامون داره  
کشور ما خونه ی ابن سیناس

سال یه قهرمانی مثل نیماس  
توی جنوب نخلای خرما داره  
تو سنتاشم ، شب یلدا داره  
یه پهلوونی مٹ رستم داره  
چشمه هایی به رنگ زمزم داره  
مردمی داره مٹ عطر شمالی  
فرقی نداره شرقی یا شمالی  
اونا براش با افتخار جون می دن  
برای زنده موندنش ، خون می دن  
مراقبن حتی یه ذره از خک  
نیفته دست دشمنای ناپک  
این سرزمین همیشه پک و زندس  
تو بازیای دنیا مون ، برندس  
الهی که تا زنده ایم و آباد  
زنده بمونه سرزمین فرهاد  
اسم قشنگش همیشه تو نقشه  
به هر غریبه ، حس خوش می بخشه  
ما به تموم داشته هاش می نازیم  
هر چی نداره کم کمک می سازیم

تا که یه روز کسایی که تو دنیان  
بگن که بهترین جا ، یعنی ایران

## سرش می شه ، سرم نشد

کاش که عشق و عاشقی ، جوون و پیر سرش می شد  
اونی که خیلی دوشش دارم ، اسیر سرش می شد  
کاش دلی که نمی دونم چرا قسمتم شده  
آدم پر از حیا و سربه زیر سرش می شد  
اونی که عاشقشم کاش که بلا سرش می شد  
معنی واژه ی تلخ مبتلا سرش می شد  
اونی که همش منه ، دوست نداره تا ما باشیم  
واژه ی رسمیه سنگین شما سرش می شد  
اونی که عاشقشم کاش کمی شب سرش می شد  
عاشقی با احترام و با ادب سرش می شد  
عمریه تو حسرت گرمی دستاشمی سوزم  
اونی که منو سوزونده کاش که تب سرش می شد  
اونی که عاشقشم کاش آرزو سرش می شد  
معنی جمله ی ناز تو بگو سرش می شد  
حرفامو که می دونم ، بخوام ، نخوام گوش نمی ده  
لااقل کاش تو قصه ، گفتگو سرش می شد  
اونی که عاشقشم کاش گل یاس سرش می شد



صفری که هدیه ی اونه تو کلاس سرش می شد  
کاش یه لحظه خودشو فقط به جای من می داشت  
شوق درد عاشقای بی حواس سرش می شد  
اونی که عاشقشم ، کاش آسمون سرش می شد  
جز دو رنگی ، یه کم از رنگین کمون سرش می شد  
عمریه بهش می گم دیوونتم ، سکو تو هیچ نه که عاشقم بشه ، کاش که جنون

سرش می شد

اونی که عاشقشم کاش که وفا سرش می شد  
شمع و پروانه و فانوس و خدا سرش می شد  
نمی خوام تمام حرفا رو بفهمه لااقل  
کاش خود دوست دارم ، جدا جدا سرش می شد  
اونی که عاشقشم کاش می میرم سرش می شد  
واس خاطر تو ماهو می گیرم سرش می شد  
یه جوری زمزمه می کنه که از پیشش برم  
لااقل کاش نمی شه ، کاش نمی رم سرش می شد  
ایکاش اون فقط یه کم در به دری سرش می شد  
اینکه می میره دل از بی خبری سرش می شد  
کاش همه رنگایی که خودش می خواد و نمی دید  
یه کمی رمگ من خکستری سرش می شد

اونی که عاشقشم ، کاش که سفر سرش می شد  
رفتن و هجرت و کوچ و بال و پر سرش می شد  
نه دوسم داره ، نه می گه دوست نداشته باشمش  
کاش یه بار منم به همراهت ببر ، سرش می شد  
اونی که عاشقشم کاش که جواب سرش می شد  
میون هر کی که داره ، انتخاب سرش می شد  
کاش جای خیلی چیزا که بلده فقط یه کم  
عشق این عاشقو بی حد و حساب سرش می شد  
کاش یه کم... منو نگا کن ، تو وفا سرت می شد ؟  
شمع و پروانه و فانوس و خدا سرت می شه ؟  
من خودم یه وقتا دیدم نگران من می شی  
ترس و کهکشان و گیتار و دعا سرت می شه ؟  
بینم قایم نکن خیلی چیزا سرت می شه  
بدی و زشتی قلب آدما سرت می شه  
واسه ی همینه که خوب داری بازی می کنی  
که همین حرفایی که زدم کجا سرت می شه  
تو تمام درد امو سرت می شه ، سرت می شه  
نه که حالا ، از اون اول همیشه سرت می شه  
می دونی عاشقتم ، دلت برام شور می زنه

ولی بیشتر از می خوامش ، نمی شه سرت میشه  
من می رم ، حرفای من یه روزی باورت می شه  
شعر من کلید قفل زرد دفترت می شه  
اما هر چی که شدی ، رسیدی به هر جا بدون  
گفته بودم تو قد فرشته ها سرت می شه  
من که هر چیزی نوشتم از تو باز سرم نشد  
اینکه شاید نباشم پیش تو باورم نشد  
فکرامو کرده بودم خواستم همین حالا برم  
نذارش پای دروغ ، آره نشد برم ، نشد

## ترانه ی اردیبهشت

زیبا تو که بار مژت یه دنیا رو مات می کنی  
یه دنیا رو قربونی چشمک چشمت می کنی  
تو که اگه کسی نخواد با تو مٹ اینه باشه  
با داغی لحن نگات اون مجازات می کنی  
نینمت یه وقت بشی تسلیم دست سرنوشت  
به عشق تو سرش بالاس ، ترانه ی اردیبهشت  
زیبا اگه موج صدات ، بلرزه ، رنگ غم بشه  
از اون طراوت چشات اگه یه ذره کم بشه  
چیکار می تونم بکنم ، جز اینکه آرزو کنم  
تمام غصه های تو ، فقط مال خودم بشه  
نینمت یه وقت بشی تسلیم دست سرنوشت  
به عشق تو سرش بالاس ترانه ی اردیبهشت  
زیبا کی گفته تو نخوای ، تو کوچه ها بهار میاد  
وقتی بهاره که جهان با حرف تو کنار بیاد  
اگه یه غم به هم زده دنیای ارغوانیتو  
الهی که بره به جاش ، برای من هزار بیاد  
نینمت یه وقت بشی تسلیم دست سرنوشت

به عشق تو سرش بالاس ترانه ی اردیبهشت  
زیبا شاید بگی حالا صحبت دیوونگی نیست  
اما می گم بی عشق تو اسم چیزی زندگی نیست  
دریای طوفان زرده تو بینمو چیزی نگم  
خوب می دونیم من و تو که این رسم پروانگی نیست  
نینمت یه وقت بشی تسلیم دست سرنوشت  
به عشق تو سرش بالاس ترانه ی اردیبهشت  
زیبای من دنیای ما طلوع داره ، غروب داره  
نقشه ی سرنوشتمون ، شمال داره ، جنوب داره  
تو اونا که پشت نقاب ، از نسل دور آدمن  
هم آدمای بد داره ، هم آدمای خوب داره  
نینمت یه وقت بشی تسلیم دست سرنوشت  
به عشق تو سرش بالاس ترانه ی اردیبهشت  
زیبا نگین عشق تو، صد تا طبق جواهره  
یه قایق بادی داره پر از نگاه و خاطره  
میون این شهر غریب ، با چهره های آشنا  
یکی می میره واسه تو که یه جورایی شاعره  
نینمت یه وقت بشی تسلیم دست سرنوشت  
به عشق تو سرش بالاست ترانه ی اردیبهشت

زیبا با یک چکه غمت ، می ریزه هفت تا آسمون  
می شکنه از غصه ی تو ، یه بار دیگه رنگین کمون  
نمی دونم که خزون نشسته رو کدوم گلت  
می خوای بهم نگی ، نگو اما همینجوری نمون  
نبینمت یه وقت بشی تسلیم دست سرنوشت  
به عشق تو سرش بالاس ترانه ی اردیبهشت  
یه عمریه تو میدونا چشما به تو خیره می شه  
با رنگ روشن نگات ، روز همه تیره می شه  
قصه ی هر کس که به تو بد کنه و خوب نباشه  
حکایت مجرمی که دایم تو زنجیر ، می شه  
نبینمت یه وقت بشی تسلیم دست سرنوشت  
به عشق تو سرش بالاس ترانه ی اردیبهشت  
زیبا جای تو ، آسمون بارید و کلی خالی شد  
ما هم از این غصه ی اون ، دلش گرفت ، هلالی شد  
دخترکی که زندگیش با رؤیای تو می گذره  
دچار کابوس بد و خط خطی و خیالی شد  
نبینمت یه وقت بشی تسلیم دست سرنوشت  
به عشق تو سرش بالاس ترانه ی اردیبهشت  
زیبا به جون همه چیم ، آره جون خودت قسم

بدون لبخند تو من به هیچ جایی نمی رسم  
به خاطر خود خودت ابرو یه کم کنار بزن  
بذار که ماه طلوع کنه از چشم مثل هیچکس  
نبینمت یه وقت بشی تسلیم دست سرنوشت  
به عشق تو سرش بالاس ترانه ی اردیبهشت  
زیبا جونم خوشم باشی نمی شه باز از تو نوشت  
چه برسه به اینکه نه ، بگذریم از خیال زشت  
نبینمت یه وقت بشی تسلیم دست سرنوشت  
به عشق تو سرش بالاس ترانه ی اردیبهشت

## وقتی رفتم

یچکی از رفتن من غصه نخورد  
هیچکی با موندن من شاد نشد  
وقتیرفتم کسی قلبش نگرفت  
بغض هیچ آدمی فریاد نشد  
وقتی رفتم کسی گریش نگرفت  
اشکشو کسی نریخت پشت سرم  
راستی که بی کسی درد بدیه  
منم انگار همیشه تو سفرم  
وقتی رفتم کسی غصش نگرفت  
وقتی رفتم کسی بدرقم نکرد  
دل من می خواس تلافی بکنه  
پس چش هیچ کسی عاشقم نکرد  
وقتی رفتم ، نه که بارون نگرفت  
هوا صاف و خیلیم آفتابی بود  
اگه شب می رفتم و خورشید نبود  
آسمون خوب می دونم ، مهتابی بود  
چشمی با رفتن من خیره نموند



به در و به آسمونو پنجره  
می دونم ، خلیا گفتن چیزی نیس  
ماتم نداره ، بذار بره  
وقتی رفتم کسی اشکش نیومد  
نیمود هیچ جا صدای گریه ای  
توی این دنیای بد ، هیچکی نداشت  
از سفر رفتن من ، گلایه ای  
هیچ کسی نگاش برام ابری نشد  
زلزله ، هیچ دلی رو تکون نداد  
راس راسی ، واسه کسی مهم نبود  
نه که فک کنی بود و نشون نداد  
چهره ی هیچ کسی پژمرده نبود  
گلا اما همه پژمرده بودن  
کسایی که واسشون مهم بودم  
همه شاید یه جوری مرده بودن  
کی می رم کجا می رم ، میام یا نه  
کسی لااقل اینو سوال نکرد  
انگاری می خوام برم خرید کنم  
هیچ کسی چیزی نگفت ، حلال نکرد

دم رفتن کسی حرفی نمی زد  
همه سکت بودن و بی سر و صدا  
یه نگهبان که ما رو نگامی کرد  
زیر لب گفت ، به سلامتی کجا ؟  
اشک و خندم دو تایی کنار هم  
با یه لحن مهربون جواب دادن  
انگاری یه عالمه کوهای سخت  
از رو شهر شونه ی من ، افتادن  
این سوال مهربونو ، بی ریا  
پرسش ساده ی یه غریبه بود  
کسی که اسم منم نمی دونست  
زیر چشماش غمی بود ، داغ و کبود  
شعرمو باید یه جور عوض کنم  
یا بذارمش همینجور بمونه  
ته قلبم می خوام این حقیقتو  
هر کسی دوس داره شعرو ، بخونه  
دم رفتن کسی گفت سفر به خیر  
که واسم غریب و ناشناخته بود  
اما اون وقتی رسید که قلب من

همه ی آرزوهاشو باخته بود  
بهتره اهالی رویامونو  
بدون توقعی ، جواب کنیم  
نباید حتی رو بهترین کسا  
توی بدترین جاها ، حساب کنیم

## طاقت ناتمام

همنفس گلم سلام ، دیگه یه گوله آتیشم  
مضحکه دوستم نداری ، دلم می خواد بیای پیشم  
عجیبه ، وقتی نمی خوای من یکی دوونه ترم  
منتظرم ناز کنی و فقط بشینم بخرم  
یکی می گفت ، که آدما ، بیشترشون اینجورین  
بر عکس آرزوهاشوم ، عاشق هم تو دورین  
ولی تو چی ، نه دوریو ، نه نزدیکی دلت می خواد  
اولش اینجور نبود ، خوب یادمه ، یادت می یاد؟  
باز که مث قبلیا شد ، باز که م یذارمش کنار  
چشات چه برقی می زنه ، تو قاب عکست ، رو دیوار  
راستی یه چیزی رو بگم ، پشت سرم حرف می زنن  
می گن که جادو کردنش ، دوستن اونا یا دشمنن ؟  
همش می پرسن اون چی شد ؟ آره دیگه تو رو می گن  
یکی می گفت اینجور کسا ، فکر یه آدم دیگن  
چیکار کنم ، خودت بیا ، جواب حرفا رو بده  
به قول جو یا هوا ، بهمنه ، نامساعده  
به تو نمی شه راس نگم ، از این خیالا ترسیدم

از تو چه پنهون یه کمی پنهونی از تو رنجیدم  
به اونا چیزی نمی گم ، به هیچکی حرفی نزدم  
هر چیه من مال توام، این کارا رو خوب بلدم  
اما تا کی ؟ باید تا کی این نقشا رو بازی کنم؟  
حالا که راضین همه ، باید تو رو راضی کنم ؟  
راستی عجب دنیا ییه ، کاراش غریب و وارونس  
دیوونه کم بود ، خودشم از همه بیشتر دیوونس  
بین گلم ، بهشت من ، طاقت شونه هام کمه  
عین یاس همسایمون ، شاخه ی آرزوم خمه  
زخم زیون آدما هر ثانیه زیادتره  
همش می گن کجاس ؟ چی شد ؟ تو رو نمی خواد بیره ؟  
مادربزرگ می گفت برو طالع تو یه جا بین  
منم آوردم عکستو ، گفتم تو فالم اینه ، این  
همه بهم می خندیدن ، تو هم بودی می خندیدی ؟  
کاش خودتو به جای من می داشتی و می فهمیدی  
خب دیگه دردا خیلی شد ، به درد آوردم سر تو  
گفتم شاید دریابی این دیوونه ی پرپر تو  
یه سر بزن ، یه کار بکن ، اینجا یه کم آروم بشه  
منم اگه دوس نداری ، بگو بذار تموم بشه

یه نامه ی تابستونی ، تو یک شب ابری تیر  
تکلیفمو روشن کن و حق دل من و بگیر  
دوست دارم تکرار یه ، خیلی بهت نیاز دارم  
قلبمو با هر چی توشه ، واست ، تو نامت می دارم  
اگه دوسم داشتی که هیچ ، فقط رو نامه دس بکش  
اگر نه ، راحت بگوو بدون من نفس بکش  
فقط حقیقتو بگو ، هر چی تو قلبت می گذره  
به حرف قلبت گوش بده ، اینجوری خیلی بهتره

## نمی دارم

نمی دارم تو رو از من بگیرن  
حتی تو عالم عکس و نقاشی  
روی پیشونی سر نوشته  
تو باید فقط مال خودم باشی  
نمی دارم که تو رو بدزدنت  
جای تو فقط روی چشمای منه  
توی فال من فقط اسم تو  
کسی که چشاش مٹ تو روشنه  
نمی دارم اینهمه خاطر مون  
پنهونی کنج یه خورجین بمونه  
قسمت طالع تو سفر بشه  
واسه من یه درد سنگین بمونه  
نمی دارم اونا که کم عاشقن  
من و از خیال تو جدام کنن  
نمی دارم تو بری که آدما  
همشون با سرزنش ، نگام کنن  
نمی دارم توی خلوت کسی

بیاد و با شادی با تو دس بده  
اون باید لذت این دس دادنو  
به من و خاطره ی تو پس بده  
نمی دارم کسی جز خودم یه روز  
با تو و با رویاهات کنار بیاد  
تازه از تولد تو حق داره  
توی هر پس کوچه ای بهار بیاد  
نمی دارم که نوازش کسی  
شب ناز مژه هاتو خواب کنه  
نمی دارم خونه ی آرزمو  
کسی با او مدنش ، خراب کنه  
نمی دارم یه غریبه با نگاش  
پادشاه دل بی ریات بشه  
من می خوام خودم پسر تشت کنم  
نمی دارم که کسی خدات بشه  
نمی دارم به بهونه ی کسی  
عشق و دنیای منو یادت بره  
تو یه عمره ، دیگه ، زیبای منی  
با یه دنیا اعتماد و خاطره



نمی دارم تو رو صیدت بکنن  
نمی دارم که تو از پیشم بری  
ولی توی سرنوشتم ، می بینم  
تو نمی مونی پیشم ، مسافری  
نمی دارم جای من کسی شبا  
بالای سرت لالایی بخونه  
نمی دارم دلی که مال منه  
پیش بیگانه امانت بمونه  
این نداشتن چه قدر خوبه ، ئلی  
آخه من که اختیاری ندارم  
تصمیمما رو همیشه تو می گیری  
من چه جوری می تونم که ندارم  
تازگی خیلی سفارش می کنی  
می گی کم کم دیگه وقت رفتنه  
زیبا جون تو می خوای از پیشم بری ؟  
از تو ان قدر فقط سهم منه ؟  
نمی خوای جواب بدی من می دونم  
داشتن زیبا یه کار ساده نیست  
مریمت شرایط و لیاقتش

واسه ی یه مژتم آماده نیست  
ترس رفتنت دیوونم می کنه  
ولی این دیوونه که کاره ای نیست  
زیبا چشم به رات می مونم همیشه  
تنها دل خوشیم اینه ، چاره ای نیست

## فانوس مشکی

توی دنیایی که قلبا ، هر کدون یه جا اسیرن  
کاش به فکر اونا باشیم که از این زمونه سیرن  
اونا که تو عصر آهن ، تشنه ی یه جرعه یادن  
کاش که دست کم نگیریم ، اینجور آدما زیادن  
نداریم که تو چشاشون ، بشینه دونه ی اشکی  
اونا فانوسن و خاموش ، آره فانوسای مشکی  
دنیاشون شاید یه شهره ، خالی از قهر و دو رنگی  
توی سینشون یه قلبه جای این دلای سنگی  
چهرشون شاید به ظاهر مٹ دیگران نباشه  
اما نور مهربونی ، توی شهرمون می پاشه  
غم چشماشون عجیبه ، توی خاطر می مونه  
ما ازش خبر نداریم ، چیزی رو که اون می دونه  
توی این عصر پر از درد، خیلی آدما یه دنیان  
خیلیا تو جمع دنیا ، بی قرار و تک و تنهان  
زیر سایه ی سلامت ، هواشونو داشته باشیم  
توی جمع بی قرارا ، عطر خوشبختی بپاشیم  
به بهونه ی زمونه ، نداریم که برن از یاد

بذاریم زنده بمونن ، مٹ عشق پک فرهاد  
قصه ی فانوس مشکی ، صحبت دیروز و فرداس  
قصه شون مال حالا نیست ، از حالا تا ته دنیاس  
نمی گم با این ترانه ، گل کنه محبتامون  
جایی رو باید بگیرن ، همیشه تو فرصتامون  
این ترانه یه اشارس به دلای خواب و بیدار  
که به یاد اونا باشیم همه به امید دیدار  
غم تنهایی رو باید از نگاهشون بخونیم  
خدا خیلی مهربونه ، اگه ما بنده ی اونیم

## ماجرای دو تا گل سرخ

گل سرخ قصمون با شبنم رو گوه هاش  
دوباره دل داده بود به دست عاشقونه هاش  
خونه ی اون حالا تو یه گلدون سفالی بود  
جای یارش چه قدر تو این غریبی خالی بود  
یادش افتاد که یه روز یه باغبون دوبوته داشت  
یه بهار اون دو تا رو کنار هم تو باغچه کاشت  
با نوازشای خورشید طلا قد کشیدن  
قصشون شروع شد و همش به هم می خندیدن  
شبنمای اشکشون از سر شوق و ساده بود  
عکس دیوونگیشون تو قلب هم افتاده بود  
روزای غنچگیشون چه قدر قشنگ و خوش گذشت  
حیف لحظه هایی که چکید و مرد و برنگشت  
گلای قصه ی ما ، اهالی شهر ، بهار  
نبودن آشنا با بازی تلخ روزگار  
فک نمی کردن همیشه مال همن تا دم مرگ  
بمیرن ، با هم می میرن از غم باد و تگرگ  
یه روز اما یه غریبه اومد و آروم وترد

یکی از عاشقای قصه ی ما رو چید و برد  
اون یکی قصه ی این رفتن و باور نمی کرد  
تا که بعدش چیده شد با دستای سرد یه مرد  
گلای قصه ی ما عاشقای رنگ حریر  
هر کدون یه جای دنیا بودن و هر دو اسیر  
هیچکی از عاقبت اون یکی با خبر نبود  
چی ممی شد اگه تو دنیا ، قصه ی سفر نبود  
قصه ی گلای ما حکایت عاشقیاس  
مال یاسا ، پونه ها ، اطلسیا ، رازقیاس  
که فقط تو کار دنیا ، دل سپردن بلدن  
بدون اینکه بدونن ، خیلیا خیلی بدن  
یکیشون حالا تو گلدون سفال ، خیلی عزیز  
اون یکی برده شده واسه عیادت مریض  
چه قدر به فکر هم ، اما چقد در به درن  
اونا دیگه تا ابد از حال هم ، بی خبرن  
روزگار تو دنیای ما قربونی زیاد داره  
این بلاها روسر خیلی کسا در می یاره  
باز یاش همیشه یک عالمه بازنده داره  
توی هر محکمه کلی برگ و پرونده داره

این یه قانون شده که چه تو زمستون ، چه بهار  
نمی شه زخمی نشد از بازیای روزگار  
اگه دست روزگار گلای ما رو نمی چید  
حالا قصه با وصالشون به آخر می رسید  
ولی روزگار ما همیشه عادتش اینه  
خوب با رو کنار هم می یاره ، بعدم می چینه  
کاش دلایی که هنوزم می تپن واسه بهار  
در امون بمونن از بازیای تلخ روزگار

## نامه ی یک متهم

شکی پرونده سلام ، درسته من متهمم  
حتی برای متهم شدن پیش تو هم کمم  
چه ذوقی کردم ، شنیدم گفתי شکایت می کنی  
اما دلم گرفت که گفתי ، منو اذیت می کنی  
من تو رو اذیت می کنیم ، منی که می میرم برات  
منی که تندی می شکنم زیر تولد نگات  
تو حکم من نوشته بود ، طبق مواد یک و بیست  
تو روزگار من و تو این کارا عاقلانه نیست  
معلومه عاقلانه نیست ، عاشق که عاقل نمی شه  
ولی با این جواب من که حکمی باطل نمی شه  
شکی محترم ، گلم ، بگو که زندونیم کنن  
بگو پیش پای چشات ، یک شبه قربونیم کنن  
بگو به افتخار تو ، بیان منو دار بززن  
علت دیوونگیمو ، تو کوچه ها جار بززن  
بگو که از رو قصمون کلی لالایی بسازن  
عکسای زیبا رو ولی اینجا و اونجا ، نندازن  
آخه حسودی می کنم ، بفهمن این راز و همه



فردا تقلب کنن از جنون این متهمه  
دوس ندارم زیبای من از هر کسی شکی باشه  
متهم اون نباید تو کره ی خکی باشه  
شکی من ، قانون می گه : به هر کی رو کنه جنون  
چون قانونو نمی شناسه ، دیگه نه تنبیه و نه اون  
متهمت ، اما می خواس ، شامل این بندا نشه  
به خاطر همین داره ، بارای عقلو می کشه  
نشسته تنها ، این گوشه ، بدون حامی و وکیل  
کلی خوشش اومده از عشق تو و جرم و دلیل  
خوب می دونه اگه وکیل ببنده این پرونده رو  
می چینه از لبای تو گلای سرخ خنده رو  
درسته که عاشقتم ، اما مگه من دیوونم  
خنده رو از تو بگیرم ، که بی چشات نمی تونم  
خلاصه که شکی ماه ، صاحب پرونده ی من  
خاطره ی گذشته هام ، مالک آینده ی من  
متهمت قصدی نداشت ، عاشقیشو به دل نگیر  
فقط اونو قبول بکن ، به چشم مجرمی اسیر  
اینجا و کیلی نمی یاد که بگه من جنون دارم  
چون اگه آزادم کنن ، باز سرتو درد می یارم

شکی نازنین من ، مزاحمت شدم ، ببخش  
مثل تمام لحظه ها ، بتاب و آروم بدرخش  
متهمت قول می ده که دیگه به تو نامه نده  
درسته دیوونس ولی موندن رو قول بده  
فک نکنی نامه ی من شده مثل دفاعیه  
شکی گل ، نشون ندی این مدرک و به قاضیه  
نشون بدی اونم می گه به خاطر درد جنون  
متهمت گناه داره ، بگذر از اتهام اون  
ولی تو این کار و نکن ، می خوام اسیری بکشم  
تابلوی چشمای تو رو ناز و کویری بکشم  
فدای چشمات که تو نور ، هطار و صد رنگ می شه  
زرد پاییزی می پوشی ، چشات چه خوش رنگ می شه  
راحت شدی از دست من با شعر و عشق و التماس  
نمی گم اما ، نمی یام ، بیرون از این رخت و لباس  
به شکی مثل گلم ، از منی که متهمم  
زیبا جون اشکال نداره ، امضا کنم که مریمم ؟  
مریم دیوونه ی تو ، یازده آبان و یه روز  
جرم من افتخارمه ، به قاضیم می گم هنوز  
یادت باشه لحظه ی صدور حکم ، تو محکمه

دلت نسوزه ، نگذری از تقصیر متهمه  
شکی هیچ کس نشو ، فقط اینو ازت می خوام  
فدای شکی گل و جرم جنون و اتهام  
الهی دروازه ی بخت ، به روت همیشه وابشه  
دست به خکستر بزنی ، الهی که طلا بشه  
متهم هر چی ردیف ، ردیف پنج و دو و سه  
نمی دارم تو عاشقی ، کسی به گردم برسه

## با همه می بینمت ، با همه کس

ندارم بشنومت از این و اون  
بینم عکستو تو آلبوم عکس دیگر  
نمی تونم بینم با همه مربونیتو  
با منی که عمریه دیوونتم ، نامهربون  
با همه می بینمت ، با همه کس به جز خودم  
تقصیر من چیه که عاشق چشم تو شدم ؟  
دیگه طاقت ندارم تو رؤیای کسی باشی  
دنیای منی ، محاله دنیای کسی باشی  
عمریه داد می زنم زیبا فقط مال منه  
نمی تونم بینم تو زیبای کسی باشی  
با همه می بینمت ، با همه کس به جز خودم  
تقصیر من چیه که عاشق چشم تو شدم ؟  
دیگه طاقت ندارم ، زیبا چه قدر سفر می ری ؟  
به خدا رو کره زمین باشی هدر می ری  
می دونم ، توی قایم باشک تلخ روزگار  
یه روز از دست چشای این دیوونه در می ری  
با همه می بینمت ، با همه کس به جز خودم

تقصیر من چیه که عاشق چشم تو شدم  
دیگه طاقت ندارم ، همه تو رو نشون می دن  
وقتی که می بینمت ، دستاشونو تکون می دن  
قیمت ناز نگات ، هر چی باشه من می خرم  
بقیه رد می شن و همه می گن گرون می دن  
با همه می بینمت ، با همه به جز خودم  
تقصیر من چیه که عاشق چشم تو شدم  
دیگه طاقت ندارم ندارم ، توام من و دوس نداری  
خودتم از همه بیشتر من و تنها می ذری  
می دونی نه روزگار ، نه مردمش ، نه تو ، نه عشق  
قدیما به این می گفتن ، غریبی ، بدبیاری  
با همه می بینمت ، با همه به جز خودم  
تقصیر من چیه که عاشق چشم تو شدم  
دیگه طاقت ندارم ، همه تو رو نشون می دن  
وقتی که می بینمت ، دستاشونو تکون می دن  
قیمت ناز نگات ، هر چی باشه من می خرم  
بقیه رد می شن و همه می گن گرون می دن  
با همه می بینمت ، با همه کس به جز خودم  
تقصیر من چیه که عاشق چشم تو شدم

دیگه طاقت ندارم ، توام من و دوس نداری  
خودتم از همه بیشتر من و تنها می ذاری  
می دونی نه روزگار ، نه مردمش ، نه تو ، نه عشق  
یما به این می گفتن ، غریبی ، بدبیاری  
با همه می بینمت ، با همه کس به جز خودم  
تقصیر من چیه که عاشق چشم تو شدم  
دیگه طاقت ندارم بخونمت تو هر غزل  
گل ار کیده بیارن واسه تو بغل بغل  
تو که بهتر می دونی ، هیچ کس دیگه نمی گفت  
به چشای مثل ماه نازنین تو ، عسل  
با همه می بینمت ، با همه کس به جز خودم  
تقصیر من چیه که عاشق چشم تو شدم  
دیگه طاقت ندارم ، پروانه هات فراوونن  
اونا از دیوونگیم بی خبرن ، نمی دونن  
اما من یه روز میام انقده فریاد می زنم  
تا برن تمام عاشقایی که تو می دونن  
با همه می بینمت ، با همه کس به جز خودم  
تقصیر من چیه که عاشق چشم تو شدم  
دیگه طاقت ندارم ، بیچه موجای صدات

کسی عکسی داشته باشه از طلوع خنده هات  
نمی خوام حتی کسی یه شاخه گل بهت بده  
همه ی گلاری من یه روز می ریزم زیر پات  
با همه می بینمت ، با همه کس به جز خودم  
تقصیر من چیه که عاشق چشم تو شدم  
دیگه طاقت ندارم همه تو رو طلب کنن  
از آتیش عشق تو یا بسوزن یا تب کنن  
مگه من مرده باشم که بذارم چند تا دیگه  
روزشونو به هوای دیدن تو شب کنن  
با همه می بینمت ، با همه کس به جز خودم  
تقصیر من چیه که عاشق چشم تو شدم  
دیگه طاقت ندارم بینمت با دیگری  
دسای کسی باشه تو اون دسای مرمی  
نمی تونم بینم من دیوونت باشم و تو  
بی تفاوت از کنار یه دیوونه بگذری  
با همه می بینمت ، با همه کس به جز خودم  
تقصیر من چیه که عاشق چشم تو شدم  
دیگه طاقت ندارم دنیا برام جهنمه  
عکساتو همیشه می بینم توی دستای همه

تو بیا و محض خاطر کسی که دوس داری  
بگو که عاشق تر از هر کسی که دیدی ، مریمه  
با همه می بینمت ، با همه کس به جز خودم  
تقصیر من چیه که عاشق چشم تو شدم  
دیگه طاقت ندارم ، به خیلینس می دی  
خیلی راحت با غریبه آشناها دس می دی  
می دونم اگه یه ذره دیگه ایراد بگیرم  
همه ی شعرا و نامه های من رو پس می دی  
با همه می بینمت ، با همه کس به جز خودم  
تقصیر من چیه که عاشق چشم تو شدم  
دیگه طاقت ندارم ، دلم برات تنگ شده  
غم تو رو شونه هام یه کوهی از سنگ شده  
تو صدات یه چیزیه خیلی من و می ترسونه  
حتی من بهم می گه مهر تو کمرنگ شده  
با همه می بینمت با همه کس به جز خودم  
تقصیر من چیه که عاشق چشم تو شدم  
دیگه طاقت ندارم ، تو نمی خوای بینمت  
گل من فک می کنی می خوام پیام بچینمت  
دوس دارم یه وقت کوتاه بذاری برای من



توی لحظه های فیروزه ای و ناب و کمت  
با همه می بینمت ، با همه کس به جز خودم  
تقصیر من چیه که عاشق چشم تو شدم  
دیگه طاقت ندارم ، دلم یه گوله آتیشه  
گل من تو هم که دائم می گی اینجور نمی شه  
حق داری ، من دیوونم تو که گناهی نداری  
نمی تونی بسوزی پای یه عاشق ، همیشه  
با همه می بینمت ، با همه کس به جز خودم  
تقصیر من چیه که عاشق چشم تو شدم  
دیگه هم تو کار داری ، هم ماجرا طولانیه  
هوای چشم منم ابریه و طوفانیه  
زیبا جون اگر یه وقت حرفی زدم به دل نگیر  
اوج دیوونگیا تو بیتای پایانیه  
با همه می بینمت ، با همه کس به جز خودم  
تقصیر من چیه که عاشق چشم تو شدم  
شنیدم امسال دیگه می خوای بیای تولدم  
کلی شرمنده ی این حرفایی که زدم ،، شدم  
با همه می بینمت ، با همه کس به جز خودم  
تقصیر من چیه که عاشق تو شدم

چه بیای و چه نیای من همیشه شرمندتم  
همیشه مزاحم احم و نگاه و خندتم  
می دونی عاشقتم ، به این دلیل که همش  
نگران حالا و گذشته و ایندتم  
با همه می بینمت ، با همه کس به جز خودم  
تقصیر من چیه که عاشق چشم تو شدم  
زیبا جون اینو بذار تو برگه های چکنویس  
نمی گم نخون ، بخونو بعدشم روش بنویس  
اگه خوب نگاه کنی ، می بینی که مونده رو اون  
رد اشک دو تا چشم عاشق و ابری و خیس  
با همه می بینمت ، با همه کس به جز خودم  
تقصیر من چیه که عاشق چشم تو شدم  
زیبا جون من و ببخش ، عاشقتم اما بدم  
توی این دنیا ، فقط دیوونگی رو بلدم  
من می میرم واسه هر چی که بگی ، هر چی بخوای  
به دلت نگیر که این حرف و یه عالمه زدم  
با همه می بینمت ، با همه کس به جز خودم  
تقصیر من چیه که عاشق چشم تو شدم

## جز تو تموم دنیا پر

جز تو تموم دنیا پر  
هر کسی غیر زیبا پر  
شعراى عاشقانه پر  
قصیده پر ، ترانه پر  
اسم تو در میون باشه  
معجزه و بهانه پر  
جز تو تموم دنیا پر  
هر کسی غیر زیبا پر  
پروانه پر ، پرنده پر  
بازنده پر ، برنده پر  
چشمای خیس گریه پر  
لبای غرق خنده پر  
جز تو تموم دنیا پر  
هر کسی غیر زیبا پر  
آفتاب داغ ظهرا پر  
امضا و اسم و مهرا پر  
کسایی که دیوونتن

اون عاشقای رسوا پر  
جز تو تموم دنیا پر  
هر کسی غیر زیبا پر  
مجنونای تو کوچه پر  
یاسای توی باغچه پر  
قابای غرق گرد و خاک  
تو گیر و دار طاقچه پر  
جز تو تموم دنیا پر  
هر کسی غیر زیبا پر  
دخترای دیوونه پر  
لاله و یاس و پونه پر  
هر کسی که عاشقته  
تو کوچه و تو خونه پر  
جز تو تموم دنیا پر  
هر کسی غیر زیبا پر  
هق هق و اشک و گریه پر  
شکایت و گلایه پر  
اسم تو رو صدا زدن  
تو آفتابو تو سایه پر

جز تو تموم دنیا پر  
هر کسی غیر زیبا پر  
حادثه پر ، معجزه پر  
اون شاه ماهی قرمزه ، پر  
در بزرگ آهنی  
حصارای دروازه پر  
جز تو تموم دنیا پر  
هر کسی غیر زیبا پر  
هر کسی که می بینی پر  
دلای مثل چینی ، پر  
هر کسی که فقط یه بار  
کنار اون بشینی ، پر  
جز تو تموم دنیا پر  
هر کسی غیر زیبا پر  
رفتن تو خواب همه پر  
زیر لبا زمزمه ، پر  
وارد جایی که بشی  
شلوغی پر ، همهمه پر  
جز تو تموم دنیا پر

هر کسی غیر زیبا پر  
ددین تو ، تو رؤیا پر  
دادن اسم و امضا پر  
باید همه یاد بگیرن  
ددین زیبا تنها پر  
جز تو تموم دنیا پر  
هر کسی غیر زیبا پر  
قصه ی کوه و تیشه پر  
بازی سنگ و شیشه پر  
دل بردن از زیبای ما  
از حالا تا همیشه پر  
راه و فریب و نقشه پر  
طرح گل بنفشه پر  
خیال اینکه روزی اون  
دل به کسی ببخشه ، پر  
جز تو تموم دنیا پر  
هر کسی غیر زیبا پر  
با عشق من زندگی پر  
جنون و دیوونگی پر

بزرگه مثل آسمون  
نادونی پر ، بچگی پر  
جز تموم دنیا پر  
هر کسی غیر زیبا پر  
مسیر کهکشونا پر  
فراز آسمونا پر  
زیبا مٹ فرشته هاس  
شیداها پر ، حیرونا پر  
جز تو تموم دنیا پر  
هر کسی غیر زیبا پر  
این عاشقای تازه پر  
دوستای بی اجازه پر  
هر کی که با زیبای من  
نمی تونه بسازه پر  
جز تو تموم دنیا پر  
هر کسی غیر زیبا پر  
جنگل و دشت و دریا پر  
خواب و خیال و رؤیا ، پر  
زیبا ، فقط من بمونم

بقیه ی آدما ، پر  
جز تو تموم دنیا پر  
هر کسی غیر زیبا پر  
چراغا پر ، فانوسا پر  
دریا و اقیانوسا ، پر  
حتی گلای خونگی  
گلدونا پر ، ککتوسا پر  
جز تو تموم دنیا پر  
هر کسی غیر زیبا پر  
کوزههای سفالی پر  
جاهای تنگ و خالی پر  
عطر خوش خاطره ها  
تو بوته های شالی پر  
جز تو تموم دنیا پر  
هر کسی غیر زیبا پر  
زندگی وقتی خوابی ، پر  
رنگ سیاه و آبی پر  
هوا تنفس تو  
آفتابی پر ، مهتابی پر



جز تو تموم دنیا پر  
هر کسی غیر زیبا پر  
رسیدن و پنجره پر  
یاد و غم و خاطره ، پر  
کنار تو نشستن و  
تولد منظره پر  
جز تو تموم دنیا پر  
هر کسی غیر زیبا پر  
خیال داشتن تو ، پر  
جنون خواستن تو ، پر  
فقط واسه خود خودم  
تنها گذاشتن تو ، پر  
جز تو تموم دنیا پر  
هر کسی غیر زیبا پر  
هفته و روز و فردا ، پر  
عید و بهار و یلدا ، پر  
هر کی دلش تو رو بخواد  
عاشق ، دیوونه ، شیدا ، پر  
جز تو تموم دنیا پر

هر کسی غیر زیبا پر  
هوای دیدن تو ، پر  
درد نچیدن تو پر  
آرزوی دزدیدنت  
فکر رسیدن تو پر  
جز تو تموم دنیا پر  
هر کسی غیر زیبا پر  
حرفی که رو دیواره ، پر  
نامه ی اون آواره ، پر  
هر کسی که از عشق تو  
می خواد بشه بیچاره ، پر  
جز تو تموم دنیا پر  
هر کسی غیر زیبا ، پر  
جاده ی راه شیری ، پر  
برای تو اسیری ، پر  
اون کسی که خیال کنه  
از پیش من تو می ری ، پر  
جز تو تموم دنیا پر  
هر کسی غیر زیبا پر

حرفای کهنه و نو پر  
هر عددی به جز دو ، پر  
خلاصه که برای من  
هر آدمی ، غیر تو ، پر  
جز تو تموم دنیا پر  
هر کسی غیر زیبا پر  
همه باید پر بزین  
تا زیبا ، بال من بشه  
جواب هر مسئله و  
درد و سوال من بشه  
من نمی خواستم همه رو  
تو شعرا پر بردم ، ولی  
اینکارو باید بکنم  
تا زیبا مال من بشه  
جز تو تموم دنیا پر  
هر کسی غیر زیبا پر  
خدا کنه زیبا نگه  
خود توام با اونا پر

## حال و هوای داشتنت

هوایی که تو توش نفس می کشی  
عطر گلش به آسمون می رسه  
کسی که دیوونه ی چشمات می شه  
مثل من آخر به جنون می رسه  
جاده ای که تو توش قدم می ذاری  
تا کهکشون راه شیری مکی ره  
به هر کی مثل من نگا بندازی  
یه عمری قلبش به اسیری می ره  
اتاقی که خواباتو توش می بینی  
بدون اینکه بدونی بهشته  
زیبا نمی دونم چرا یه جوری  
اسم تو رو خدا با من نوشته  
شاخه گلی که تو می گیری دستت  
تو هیچ خزونی دیگه خم نمی شه  
زیبا بذار هر چی که خواستن ، بگن  
از عشق من به تو که کم نمی شه  
آب زلالی که ازش می نوشی

حس می کنه زود رسیده به دریا  
قطره ی آبم دیگه خوب می فهمه  
دریا یعنی تو ، یعنی عشق زیبا  
سقفی که بالای سرت می شینه  
چه قد به بالا بودنش می نازه  
اون تنها سقفیه که توی دنیا  
بازی و آسمون بهش می بازه  
فقط یه خطش و برات نوشتم  
زیبای ماه من اینا بهانس  
این همه گذشتن از جنونه  
این همهش رد شدن از ترانس  
به کل آدما حسودیم می شه  
شاید یه باز اسم تو رو بیارن  
به اونا که زیبا می خوام بدونی  
اندازه ی من تو رو دوس ندارن  
اونی که تو قاموس ناز چشمات  
دلت می خواهد بهش بگی دخالت  
یه جور جنونه که حالا پزشکا  
بهش می گن گذشتن از حسادت

اینو نوشتم که بگو عزیزم  
همین حالا ، چه امروز و چه فردا  
بدون اعتنا به حرف مردم  
دیگه می خوام سر بذارم به صحرا  
برم یه جای دور خیلی نزدیک  
یه جایی پشت عقده های دنیا  
برم یه جا دنبال تو بگردم  
دنبال تو ، دنبال عطر زیبا  
انقد برم که مردم زمونه  
بدون حد و مرز و حرف و قانون  
به مریمی که عاشق زیبا شد  
بگن توی کتاب و قصه ، مجنون  
زیبا چرا من اینجوری نوشتم  
تو هم مژ مژ من داری می گی دوری ؟  
می گی تحملش کنم تا آخر  
زیبا ولی نمی گی که چه جوری ؟  
زیبا می گی وصال تو عاشقی نیس  
یه روز صدا تو نشنوم می میرم  
اما نه ، هر چی تو بگی ، همیشه

خیال بکن حرفمو پس می گیرم  
من می دونم یه روز گرم ابری  
از پیش من می ری واسه همیشه  
به قول تو این کار سرنوشته  
نه و ، نمی خوام سرش نمی شه  
مث نسیم اولای پاییز  
با طالعت می ری و من می مونم  
بی خبر از اون مقصد طلایت  
مث دیوونه ها برات می خونم  
هر جا با هر کی توی دنیا ، بری  
دلم عجیب هواتو کرده ، زیبا  
اول اسم نازتم نمی دم  
به لشگر ستاره های دنیا  
تو گفتی عاشقی رسیدنی نیست  
درس مث رویای من که کاله  
مث صریحی تو ، یه مرزی داری  
شکستن ضریح تو محاله  
زیبا فقط یه چیز دیگه مونده  
اینکه می گم ، تمام آرزومه

بگی می دونی من چه قد دیوونم  
فقط همینو بدونی ، تمومه  
تو مخمل صورتی خیالم  
سر تو هر لحظه سر پادشاس  
خیال چشمای قشنگ تو تخت  
عادت و این حرفا مال آدماس  
کسی که عاشق تو شد یه روزی  
همه می گفتن یه ذره آدمه  
حالا می گن مجنون عشق زیباست  
توی شناسنامه ، ولی مریمه  
زیبا ، نرو ، می ری ولی دیوونت  
یه روزی ثابت می کنه به دنیا  
که آدما واسه جواب گرفتن  
فقط باید برید سراغ زیبا  
دو دقیقه بعد یه تماس کوتاه  
یک شب نرم و خنک و پاییزی  
زیبا جونم کاش که یکی می فهمید  
چه در دوست دارم چه قدر عزیز



## مخمل خاطره ی تو

وقتی که نگات می شینه روی دویار اتاقم  
عکس تو تو قاب چوبی دوباره میاد سراغم  
یاد اون روزا می افتم ، با تو بودن زیر بارون  
وقتی که شرمنده بودن ، پشیمون لیلی و مجنون  
یاد اون شبا می افتم ، لب اون چشمه ی جاری  
که گرفت از ما یه عکاس ، دو تا عکس یادگاری  
یکی شون سهم تو بود و یکی شونم مال من بود  
کجا فکرشو می کردیم ، آخرش جدا شدن بود  
زیر رعد و برق تقدیر ، من و تو با هم شکستیم  
توی رؤیاهامون اما ، هنوزم صاف و یه دستیم  
گل سرخی اینجا روی طاقچس ، خاطرش هست و خودش مرد  
توی میدون زمونه ، من و تو بازی رو باختیم  
تقصیر طالع ما بود ، سرنوشتو خوب شناختیم  
مث اون کلاغ قصه ، که نمی رسید به خونه  
دوس نداش که مال هم شیم دست بی رحم زمونه  
اسمش اینه که تو رفتی ، یادگاریت رو به رومه  
تو رو داشتن تا همیشه منتهای آرزومه

بی گناهی ، اما کوچت ، چه آتیشی زد به ریشه م  
همیشه بهت می گفتم ، نباشی دیوونه می شم  
می دونی ما بی گناهییم ، جرممون فقط وفا بود  
هیچ دلی راضی نمی شه ، که بگه تقصیر ما بود  
مخمل خاطره ی تو ، تو صندوقچه ی چوبی  
خوابیده مثل یه قصه ، پر راز و پر خوبی  
تو رو می سپرم به دست صاحب پونه و خورشید  
اما افسوس و صد افسوس که تو رو به من نبخشد

## طعم تلخ واقعیت

بذار یواش شروع کنم ، سلام گلم ، هم نفسم  
آرزو هام راضی شدن ، دیگه بهت نمی رسم  
گفتم چیا گفتی بهم ، گفتی که آینده داری  
دنیا همش عاشقی نیست ، گریه داری ، خنده داری  
گفتم که گفتی من باشم به لحظه هات نمی رسی  
به قول دل شاید دلت گرو باشه پیش کسی  
خلاصه گفتم که چشات قصد رسیدن نداره  
رؤیاها کاله و دسات خیال چیدن نداره  
گفتم که گفتی زندگی ت غصه داره ، سفر داره  
هم واسه من هم واسه تو با هم بودن خطر داره  
گفتم تو گفتی رؤیاها مال شبای شاعراس  
شهامتو کسی داره که شاعر مسافراس  
مسافرا اون آدمان که با حقیقت می مومن  
تلخیاشو خوب می چشن ، غصه هاشو خوب می دونن  
گفتم فقط می خوای واست یه حس محترم باشم  
عاشقیمو قایم کنم ، تو طالع تو کم باشم  
گفتم که گفتی ما دو تا به درد هم نمی خوریم

ولی یه جا مثل همیم ، هر دومون از قصه پریم  
گفتیم تو گفتمی می تونیم یادی کنیم از همدیگه  
اما کسی به اون یکی لیلی و مجنون نمی گه  
گفتم تو گفتمی سهممون از زندگی جدا جداس  
حرف تو رو چشم منه ، اما اینام دست خداس  
هر چی که تو گفته بودی ، گفتم به دل بی کم و بیش  
حال خودم ؟ نه راه پس مونده برام نه راه پیش  
این حرفای خودت بوده ، از من دیوونه تر دیدی ؟  
اصلا نگفتم اینا رو خودت دیدی یا شنیدی  
دلَم که حرفاتو شنید ، اول که باورش نشد  
ولینه ، بهتره بگم ، نفهمیدش ، سرش نشد  
یه جوری مات و غمزده ، فقط به دورا خیره شد  
زنگ از رخس نه ، نپرید ، شکست و مرد و تیره شد  
بلور رویا هام ولی چکید ، مَث خواب تگرگ  
آرزو هام از هم پاشید ، رسید ته کوچه ی مرگ  
راستش ازم چیزی نموند ، به جز همین جسم ظریف  
خوب می دونی چی می کشه غریب تو خونه ی حریف  
نگی چرا نوشته هام لطیف و عاشقونه نیست  
رؤیا و آرزوم که هیچ ، حتی دل دیوونه نیست

زیبا باید تنهایی من این نامه روسیا کنم  
رسم گذشتهها می گه باید به تو نگا کنم  
حرفاتو گفتم به خودت ، بینی راستی تو زدی  
اصلا توی ذات تو هست ، یه همچی چیزی بلدی ؟  
اگر تو بیداری بودی ، بشین میادش خبرم  
اگر نگفتی بنویس ، من می خوام از خواب بپرم  
دوست دارم چه توی خواب ، چه توی مرگ و بیداری  
فدای یک تار موهاات ، که تو من و دوس نداری  
مواظب آدما باش ، زندگی گرگه زیبا جون  
خدای رویای منم ، هنوز بزرگه زیبا جون  
دوشنبه ی پر از غم یه ظهر گرم مردادی  
با اون چشای روشنت چه کاری دست من دادی

## مزاحم همیشگی

یه باز بذار حرف بزnm ، دیگه نه حرف سفره  
نه حرف تیر تو قلب یه دیوونه ی در به دره  
نه صحت پرسیدن لحظه و روز و حالته  
نه قصه ی عاشقیه ، نه پاسخ سوالته  
نه اشکی ریختم لا به لاش ، نه پر شده از عطر یاس  
نه توش غرور پدیا می شه ، نه اعتماد ، نه التماس  
این دفه حرف قصه نیست ، خکستر حقیقته  
یادت میاد یکی می گفت حقیقتم مصیبتیه  
بذار بدون پرسش و ساده و بی مقدمه  
بریم سراغ حرفی که ، می ترسونه یه عالمه  
همیشه از نخواستنت ، تو رویاهام می ترسیدم  
بعد خودمو گول می زدم ، به ترسیدن می خندیدم  
ترسه ولی قایم می شد ، شب میومد مثل لولو  
واسه همین گاهی بهت ، فقط می گفتم تو بگو  
نگفتی و گذاشتمش پای غمای خستگی  
فهمیدم اشتباه بوده ، اینم یه جور دیوونگی  
خیال نکن این که می گم ، شکایتیه ، رنگ گله س

قبول ندارم اخم تو مال نبود حوصله س  
دیگه مزاحم نیم شم ، خیالت آسوده باشه  
سهم من از آتیش بذار ، فقط یه کم دوده باشه  
مهم اینه که اسمت تمام دنیا بلدن  
فرقی نداره که با من چه قدر خون چه قدر بدن  
مهم اینه تا دینمو یه کم به عشق تو دادم  
طبق یه قانون از چشات مثل یه قطره افتادم  
قصه ی نا دو تا شاید ، به درد تاریخ می خوره  
کار من از جانب تو ، به درد توییخ می خوره  
همونشم تو بنویس ، کلی جای سپاس داره  
با من که کاری ندارم ، اونو می دی کی بیاره ؟  
نه بگذریم ، انگار دلم بازم پرید اون شبکه  
برای تو تکراریه اما نگه می ترکه  
خوب می دونم تو این ساله تحملم کردی ، آره ؟  
چشات روشن نشد بگن زیبا تو رو دوس نداره ؟  
دل به دل کسی نده ، عاشقی دزده زیبا جون  
هر کار تو عاشقی کنی ، بدون مزده زیبا جون  
سخته مزاحمت نشم ، نمی دونم چیکار کنم  
نه ، نیم شم ، اما می خوام از خودمم فرار کنم

دلم می خواد برم یه جا که دیگه زیبا نباشه  
تمام دنیا رو برم فک می کنم جا نباشه  
تو همه ی وجودمی ، هر جا برم می یای پیشم  
ولی بهت قول دادمو ، دیگه مزاحم نمی شم  
من نمی رم ، یادت باشه تو اونی هستی که می ره  
منم یه جور مزاحم ، که کلی پیشت می میره  
مزاحمی که ردشو ، تمام آدما دارن  
نیازی نیس شمارشو به ذهن دستگا بسپارن  
مزاحم خیلی روزا ، چه تو طلوع ، چه تو غروب  
مزاحم روزای تلخ ، مزاحم روزای خوب  
نه اینکه بار آخره ، مزاحمت طولانی شد  
اخماتو وا کن تا برم ، باز که هوات طوفانی شد  
الان تمومش می کنم ، امون نمی دم تا بگی  
خوبیش اینه با هم می گیم ، مزاحم همیشگی  
حالا که دلت اومد ، نامه رو بردار پاره کن  
دیگه مزاحمت نشم ؟ دل می گه استخاره کن  
چشمای ناز و روشنت ، شاده که شر من کمه  
قند تو دلت آب می شه از نبودن این مریمه  
تازه همونم که می خوای ، بدون زنگ و صحبتی



این خراین حرف منه ، دلم خوشه که راحتی  
مزاحم همیشگیت تاریخ مرداد می زنه  
اما زمان هیچه براش ، فقط داره داد می زنه  
داد می زنه ای آدما ، مسافرای زندگی  
از این به بعد به من بگید ، مزاحم همیشگی

## دشمنای من و تو

زیبا پشت سرمون حرفای رنگی می زنی  
دروغ و تهمتا رو به چه قشنگی می زنی  
زیبا انگار نمی خوان ما دو تا مال هم باشیم  
دوس دارن که غیر ممکن و محال هم باشیم  
نگا به خودت نکن ، خیلی از آدما بدن  
خیلیا پشت سر ما حرفای سیا زدن  
زیبا دنیا دشمنه ، درنده داره ، مار داره  
آخه تو این همه پس ، با من و تو چیکار داره  
هر کی از راه می رسه ، یه قصه ی تازه می گه  
اسممو زود می ذاره کنار یه اسم دیگه  
از بد اقبالی من توام به اون گوش می کنی  
بیشتر از پش من و می رونی ، فراموش می کنی  
زیبا جون قهر تو هم مثل یه دنیا می مونه  
کی تو دنیا واسه مریم ، مٹ زیبا می مونه  
آدما دوس ندارن به قصه مون نگا کنن  
دوس دارن ما رو یه جور از همدیگه جدا کنن  
تو به جای اعتماد ، حق می دی به غریبه ها

نمی گوی او نا کجا و عشق مریمت کجا  
می خوام از پشت برم ، خیلی روون بهم بگو  
مٹ سبزہ های سیزده ، بسپرم به دست جو  
اما تو خودت بگو ، حرف میان تو نزن  
حق دیوونگی رو تو محکمت بده به من  
زیبا من اسمتو با دنیا عوض نمی کنم  
واسه خاطر نگات تا ته دنیا می شکم  
وقتشه تا پیام و به عاشقی عمل کنم  
مشکل خلیا رو با این بهونه حل کنم  
انقدر داد می زنم اسمتو با چشمای خیس  
که خودت بهم بگی کافیه مریم ، نویس  
انقدر داد می زنم عشق تو رو تو کوه و دشت  
که بگن دختره از عشق تو رفت و برنگشت  
یا من و تنها می ذاری توی پرواز و سفر  
یا بهم می ریزی دنیا مونو با حرف و با خبر  
دنیا انگار نمی خواد تو من و باور بکنی  
دلشون خنک می شه ، مریمو پر پر بکنی  
زیبا من یه عمره ، دیوونه ی حرفای تو ام  
عاشق امروز و قربونی فردای تو ام

قصه ی من و تو رو یه روزی عبرت می کنن  
حرفی پشت ما بگن؟ نه ، مگه جرأت می کنن  
تو قبول نمی کنی ، بذار زمان نشون می ده  
پاسخ سوالای سخت و همیشه اون می ده  
زیبا ثابت می کنم ، عاشقتم به هر کسی  
زوده اون روزی که تو به این حقیقت برسی  
خط بزن خلیا رو از تو کتاب زندگیت  
که حسودی می کنن به قصه ی دیوونگیت  
وقتی مردم واسه تو بهم نریزهخ عالمت  
سر بلندی ، که به خاطر تو مرده مریمت  
سالای زیادیه ، زیبا تو شعرای منه  
همه عالم می دونن که زیبا دنیای منه  
نمی خوام هوای چشمای تو خکستری شه  
فکر تو به عشق سرخ مریمت ، سرسری شه  
دنیا رو بهم می ریزم تا بگم ، ای آدما  
که می خواین زیبا به جای تو به من بگه شما  
دوس دارم تمامتون رنگ خوشی رو نبینید  
جای گل همیشه خارای مصیبت بچینید  
نمی دم زیبا رو به اونا که دو به هم زنن

چینی نازم عاشقی رو ساده می شکن  
زیبا جون تحمل تو مٹ عمر گل کمه  
همه دور و برتن ، از چشپ و راس یه عالمه  
اما من مجنون تر از هر عاشق و هر دیوونم  
کاری می کنم خودت بهم بگی من می دونم  
توی اینه دلت از مریمت لک نباشه  
لا به لای عاشقیم ، زیبا یه وقت شک نباشه  
خیلی آدما می خوان ، با واسطه ، بی واسطه  
خط قرمز بکشن رو جاده ی این رابطه  
نذار زیبا ، بذا با هم تا خود خدا بریم  
جوری آروم که نفهمن من و تو کجا بریم  
دیوونت ، دختری از جنس روزای پاییزه  
که به عشقت می شینه اشک بلوری می ریزه  
تسمو صدا کن و همش نگو می خوام برم  
بگو مریم ، زیبا جون بگو ، عجیب منتظرم  
کاش اوناه تو رو می خوان و با عشق من بدن  
کار دیگه می دونستن جای دو به هم زدن  
زیبا جون نمی شه این قصه رو اینجوری بگم  
لازمه پیام پیشت ، بی غصه ی دوری بگم

مواظب باش چشای ناز تو جادو نکنن  
حیله های تازه ای پیش نگات رو نکنن  
واسه مریم همیشه ، قشنگترین بهونه ای  
می درخشی تنها و کلی عزیز دردونه ای  
کسی که اگه یه روز مونده به کل زندگیش  
به همه می گه که زیباس علت دیوونگیش  
زیبا می پرستمت قد یه عالمه بهشت  
اخمو وا کن و بخون « گریه نکن که سرنوشت...»

## تقلب طبیعت

ماه نمی دونست چه جوری بتابه  
از روی دست تو دید و بلد شد  
خورشید که دید نوری ازش نمی خوام  
رفت بالای قله و با تو بد شد  
دریا که دید موج موهات از اون نیست  
غرش کرد و ته دل حسود شد  
آسمون از غم که تو رو زمینی  
تا همیشه رنگ چشاش کبود شد  
گل که دونست خزون واسه تو هیچه  
رنگش پرید و تو یه لحظه پز مرد  
درختی که تو از پیشش رد شدی  
انقده برگاش رو زمین ریخت که مرد  
بارون که دید پشت زلالیش کمه  
بغضشو خورد و یه دفه بند او مد  
آسمونم به آدما دروغ گفت  
به جای بارون دیگه لبخند او مد  
نسیم که دید مثل تو مهربون نیست

عاشقی رو گذاش کنار و باد شد  
تو دنیا هیچ کس مٹ تو نمی شد  
پس کم کمک آدم بد زیاد شد  
برفا دیدن هر چه قدم ریز باشن  
از شرم رنگ چش تو آب می شن  
یلدا ترین شبای سالم آسمون  
با یه اشاره ی نگات خواب می شن  
شب نتونست مثل تو روشن باشه  
خشم و غضب کرد و یهو سیا شد  
روزم پیش چشای تو کم آورد  
قایم شد و روشنی ، کیمیا شد  
فرشته ها وقتی تو رو شنیدن  
پشت نقاب چهره قایم شدن  
بغضیاشون راه زمین گرفتن  
ترسیدن و ، یواشی آدم شدن  
ستاره ها دیگه شبا تو خوابن  
یا گم شدن یا خیلی کم سو شدن  
سیاره های کهکشون شیری  
در نمی یان ، پیش تو ترسو شدن



زمین فقط این وسطا یه جوری  
به این که تو زیر پاشی می نازه  
طفلکی مثل من داره تو رؤیاش  
با تو یه قصر آرزو می سازه  
خلاصه زیبا ، همه چی بهم ریخت  
با یه کم از اسم تو ، اسم زیبا  
یقین دارم نزدیکه اون روزی که  
با کشف تو به هم می ریزه دنیا  
با اسن تو عجیب دیوونه می شم  
به قبله ی چشمای نازت ، قسم  
دنبال اسمت انقدر می دوام  
یه روز ولی به ته خط می رسم  
عسل تو چشما ته مراقبش باش  
از من دیوونه به یهفرشته  
زیبا اگه هر چی می گم همون شد  
یادت باشه اینا رو کی نوشته  
دیوونه ی چهار تا فصل و هر روز  
دیوونه ی عصر و شب و سپیده  
مریمی که تا اسمتو آوردن

یه ذره رنگ چهرشم پریده  
یه عصر پاییزی سرد و دلگیر  
که همه جا سفیده ، غرق برفه  
فقط چهار تا نقطه چین می دارم  
چون اسم ناز تو چهار تا حرفه

## یه دل دارم

یه دل دارم خدا داره  
زمین داره ، هوا داره  
میون دریای غمش  
کشتی و نا خدا داره  
یه دل دارم ترزک داره  
ترس و یقین و شکداره  
رو بام برفیش ، همیشه  
یه دنیا بادبادک داره  
یه دل دارم وفا داره  
یه طاقی از طلا داره  
تو بهترین جاش یه دونه  
قصر و یه پادشا داره  
یه دل دارم نگین داره  
هوا داره ، زمین داره  
تو دریای پر از غمش  
قایق و سرنشین داره  
یه دل دارم غصه داره

قفلاى سربسته داره  
از اونا كه ميان مى رن  
يه عالمه قصه داره  
يه دل دارم ، خيال داره  
عين پرنده ، بال داره  
زخميه اما زخماشم  
تماشا داره ، فال داره  
يه دل دارم درد داره  
زمستون سرد داره  
رنگك بهار و نديده  
خزوناي زرد داره  
يه دل دارم شيشه داره  
تبر داره ، تيشه داره  
آرزوهائي كه شايد  
يه روزى وا مى شه داره  
يه دل دارم دعا داره  
خوبى داره ، خطا داره  
خودش مى گه تو اين زمون  
اين دل كجا بها داره

یه دل دارم صدا داره  
شادی ه نه ، بلا داره  
یه جاش کویری یه جاش ابر  
هر کدومو جدا داره  
یه دل دارم جنن داره  
سرخی رنگ خون داره  
عاشقه و خودش می گه  
هر چی داره از اون داره  
یه دل دارم دونه داره  
لاله داره پونه داره  
طفلکی فهمدیه که یه  
صاحب دیوونه داره  
یه دل دارم دیدن داره  
دیوونگیش چیدن داره  
جوریه حالش که فقط  
یه دنیا پرسیدن داره  
یه دل دارم دریا داره  
کویر داره ، صحرا داره  
دنیای ما ، هیچه پیشش

واسه خودش دنیا داره  
یه دل دارم ، بارون داره  
لیلی اره ، مجنون داره  
ناخونده توش زیاد میاد  
اون همیشه مهمون داره  
یه دل دارم سفر داره  
خنده براش ضرر داره  
گوش ندادن به تیشش  
خیلی جاها خطر داره  
یه دل دارم ، اگر داره  
رو همه چی اثر داره  
خودم تعجب می کنم  
از همه چی خبر داره  
یه دل دارم حباب داره  
تشنه که می شم ، آب داره  
گاهی یه چیزایی می گه  
می گه بکن ، ثواب داره  
یه دل دارم پری داره  
ونوس و مشتری داره

زیر پاهای اسم اون  
فرشای مرمی داره  
یه دل دارم اسیر داره  
کارش یه جایی گیر داره  
برای خاطرات من  
صندوقی از حریر داره  
یه دل دارم ماه داره  
بیراهه و راه داره  
اندازه ی ابرای سرد  
دردسر و آه داره  
یه دل دارم آتیش داره  
تو ابراقوم و خویش داره  
نه راه پس مونده براش  
نه طفلی راه پیش داره  
یه دل دارم رقیب داره  
فراز داره ، نشیب داره  
با اینکه آدم نشده  
کلی درخت سیب داره  
یه دل دارم که غم داره

یه عمره اونو کمدا ره  
وقتی که رفته ، وقتی نیست  
بی خود چرا بگم داره  
یه دل دارم فقط دله  
قایق عشقش تو گله  
غروبا بیشتر می گیره  
اما همیشه غافله  
یه دل دارم اما می گه  
غلط نوشتی ، نویس  
تو خیلی وقته که دادیش  
اونن که حالا پیش تو نیس  
راس می گه ، عاشقم دیگه  
عاشق و کلی بی حواس  
اصن یادم نبود که دل  
پیش خودم نیست و کجاس  
خلاصه که اون لغتی  
که یکیه با دو تا حرف  
چیزیه که نداشتنش  
بیشتر واست می کنه صرف



از ته دل ، نه ، نمی گم  
ولی اگر که دل نبود  
دروغ چرا ، تو دنیامون  
انقدر غم و مشکل نبود  
پیش روی دلم می گم  
توهین نباشه به دلا  
خوش به حال بی خیالا  
خوشا به حال عاقلا

## طلاترین خک

وطن ای خونه ی پر غصه ی اجدادی من  
اسم تو تنها دلیل و اسه آزادی من  
عشق تو خون گرم و عاشقم ریشه داره  
خک زرخیز تو مجنون و به یادم می یاره  
قهرمانات مٹ افسانه هامون جهانین  
مردم عاشق تو سمبل مهربانین  
زیر سایه بون امنت می شه تا ابد نشست  
پشت بیگانه رو با خنجر غیرت ، شکست  
وطنم ، دیوونه ی مرزای زرخیز توام  
عاشق زمستونو ، بهار و پاییز توام  
جونمو می دم تا مرزای تو در امون باشه  
اوج پرچمت همیشه توی آسمون باشه  
تو مال حافظ و مولوی و نیمایی ، وطن  
خونه ی رستم و خک ابن سیانیی ، وطن  
آرزومه تا ابد زنده و آباد باشی  
خونه ی نواده های پک فرهاد باشی  
ما تو کوچه های سبز تو به دنیا اومدیم

چه جوری واسه آب و خک عاشقت ندیدم ؟  
عشق تو مثل ضریح و گنبد ا مقدسه  
واسه هر عاشق دور از تو یه دنیا نفسه  
همیشه مایه ی افتخار دنیایی ، وطن  
تو بلندی ، تو مٹ شبای یلدایی ، وطن  
جون من درسته که برای تو خیلی کمه  
ولی عشق دادنش می ارزه به یه عالمه  
تو رو با طلاترین خک عوض نمی کنم  
با شکوه و عاشق و پاینده باشی ، وطنم

## سوء تفاهم

حس خشم تو میان دل من گم شده است  
باز زیبا ، نکند ، سوء تفاهم شده است  
باز زیبا ، نکند عاشقی مریم تو  
بازی و دستخوش تهمت مردم شده است  
باز زیبا ، نکند حرف جدیدی زده اند  
صحبت سیب و یا صحبت گندم شده است  
من دیوانه دلم تنگ تو بود و دیدم  
دل زیبای گلم ، قحط تبسم شده است  
جرم من چیست ، بگو ، معجزه ی ماه بهشت  
باز در ذهن قشنگت چه تجسم شده است  
قهر کردی گل من ، چشم ، ولی حق با توست  
هر زمان صحبتی از حق تقدم شده است  
آخر شعر بیا لطف کن و زیبا شو  
اسمت انگار میان غضبت گم شده است

## اونی که می خواستم

اونی که می خواستم عهدشو شکست و  
به پای عشق جدید نشست و  
چش روی آرزوم همیشه بست و  
پشت مه پنجرمون رها شد  
اونی که می خواستم مٹ اشک چکید و  
تو طول راه یهو یکی رو دید و  
صدای از ما بهتر و شنید و  
به خاطر هیچی ازم جدا شد  
اونی که می خواستم دل ما رو بردو  
تو راه که می رفت به یکی سپرد و  
تو خاطرش ، خاطره ی ما مرد و  
یکی دیگه تو رویاهش خدا شد  
اونی که می خواستم دل ازم برید و  
بین گلا یه گل تازه چید و  
به اونی که دلش می خواس رسید و  
مثل تموم مردا بی وفا شد

اونی که می خواستم زود ازم گذشت و  
یه روزی رفت و دیگه بر نگشت و  
منکر معجون شد و کوه و دشت و  
منکر عشق و بودن با ما شد  
اونی که می خواستم زیر قولش زد و  
با یکی دیگه پیش من اومد و  
به خاطر اون به ما گفتش بد و  
عزیز تر از دیروز و از حالا شد  
اونی که می خواستم شدش از ما سرد و  
پیغام دادش که دیگه برنگرد و  
بد بودن ما رو بهونه کرد و  
غییش زد و یک دفعه کیمیا شد  
اونی که می خواستم ما رو بد شناخت و  
هستی شو پیش یکی دیگه باخت و  
قصر من و با یکی دیگه ساخت و  
شکر خدا باز ولی پادشا شد  
اونی که می خواستم من و داد به باد و  
رفت پیش اون کس که دلش می خواد و  
زد زیر عشقش تا یادش نیاد و

اسم منم جز آدم بدا شد  
اونی که می خواستم من و زد کنار و  
خزونشویه جوری کرد بهار و  
قایم شدش تو یه عالم غبار و  
تقدیر ما مثل موهای سیا شد  
اونی که می خواستم آخرش گم شد و  
بازیچه ی چشمای مردم شد و  
وارد عشق صد و چندم شد و  
توی خیال کس دیگه جا شد  
اونی که می خواستم ، ولی انگار مده  
مال همه یه جورایی گم شده  
کاش از میون غبارا بیاد و  
بهم بگه هر چی می گی بیخوده

## آدم برفی

تو را ساختم با اون برفا ، آدم برفی  
تو اون شب اومدی دنیا ، آدم برفی  
شبی که عمرش از هر شب دراز تر بود  
به او شب ما می گیم ، یلدا ، آدم برفی  
یه جورایی من و تو عین هم هستیم  
تو ام تنها ، منم تنها ، آدم برفی  
من عاشق بودم و خواستم پناهم شی  
تو ام عاشق بودی اما ، آدم برفی  
همه انگار پی اونن که کم دارن  
تو بودی عاشق گرما ، آدم برفی  
منم از عشقم و اسمش واست گفتم  
نوشتم با دسام زیبا ، آدم برفی  
تو خندیدی و گفتی ، قلبت از یخ نیست  
تو عاشق بودی عین ما ، آدم برفی  
تو گفتی که براش می میری و مردی  
آره مردی همون فردا ، آدم برفی  
دیگه یخ سمبل قلبای سنگی نیست



سفیدی داشتی و سرما ، آدم برفی  
تو آفتاب و می خواستی تا دراومد اون  
واسش مردی ، چه قدر زیبا ، آدم برفی  
نمی ساختم تو رو ای کاش واسه بازی  
تو یه پروانه ای حالا ، آدم برفی  
چه آروم آب شدی ، بی سر و صدا رفتی  
بدون پیچ و پیچ و غوغا ، آدم برفی  
کسی راز تو رو هرگز نمی فهمه  
چه قدر عاشق ، چه قدر رسوا ، آدم برفی  
من اما با اجازت می نویسم که  
تو روحت رفته به دریا ، آدم برفی  
تو روحت هر سحر خورشید و می بینه  
می بینیش از همون بالا ، آدم برفی  
ببخشید که واسه بازی تو را ساختم  
قرار ما شب یلدا ، آدم برفی

## حکایت کف بین پیر

یه روزی یه کف بین پیر نشست و فالمو گرفت  
ت و هر چی گفته بود ، فک و خیالمو گرفت  
بود و یه کم سیاه ، مهربونو ، خمیده پشت  
چه بوی اسپندی می داد ، چشاش نجیب بود و درشت  
بهم نگاهی کرد و گفت ، فالتو می خوای بگیرم ؟  
گفتم بگیر ، بعدم بگو ، بگو چه وقتی می میرم ؟  
گفت دخترم کف می بینم ، قهوه و فنجون ندارم  
نه بلام ، نه دوس دارم اداشونو در بیارم  
گفتم بگو ، اینم دسام ، از روی چپ می گی یا راس  
خندید و گفت فرق نداره ، هر دستی که میل شماس  
تو زندگیت سختی دیدی ، فالت چرا پر از غمه ؟  
م توی سمت می بینم ، درس می گم نه ، مریمه ؟  
یکی رو دوس داشتی که رفت ، مردا همه عین همین  
خوبم توشون پیدا می شه ، اما خوبا خیلی کمن  
بچه بودی چند تا خطر گذشته از بیخ سرت  
خیال داری سفر بری ، خیره الهی سفرت  
یکی دیگه تاز گیا تو زندگیت پیدا شده

زیاد بهش تکیه نکن ، دوست داره ولی بده  
دشمن چه قدر زیاد داری ، راستی مگه چه کاره ای ؟  
فک نکنم دارا باشی ، نمی بینم ستاره ای  
دو سه تا لکه می بینم ، دلت شکسته از کسی  
یکی ته قلبته که ، می خوای بهش زود بررسی  
خدا رو از یاد نبری ، ایندم پکه و نیم  
دو سه تا سد تو راهته ، دو تا بزرگ ، یکی کوچیک  
یکی تو قوم و خویشتون یه کم مریضه ، مگه نه ؟  
همون که اسیرشی ؟ واست عزیزه مگه نه ؟  
نگامو چیدم از نگاش ، با کلی غصه خندیدم  
اصلن چی گفت و از کی گفت ، فالم چی بود ، نفهمیدم  
آدمای فالای من ، مثل خودش غریب بودن  
یعنی که خطای دسم ، انقد کج و عجیب بودن ؟  
خیلی خجالت کشیدم ، غم از نگاش چکه می کرد  
گفتم چرا فال می گیری تو این هوای خیلی سرد  
چیه ، فالت درس نبود می خوای که مزدمو ندی  
نه هر چی گفتمی راس بودش ، تو راه حلم بلدی ؟  
بغض گلوشو آخر سر تو شهر چشماش ترکید  
گفت دخترم باور نکن ، هیچکسی فردارو ندید

من یه غریبم و اسیر ، تو شهرتون در بهدرم  
دروغ می گم تا شبمویه جور به فردا ببرم  
منم یه بندم مٹ تو ، تقدیرامون دست خداس  
من کی باشم که بتونم ، بگم تو طالعت کجاس  
گذشتم و نذاشتم اون بیشتر از این بهم بگه  
اون ولی گفتش واسه فال نرو پیش کس دیگه  
دیدم اونو که دوباره به یه کسی دیگه رسید  
بازم همون کف بینیا ، دوباره بغضش ترکید  
دنیا ی بی وفای ما از این کسا زیاد داره  
از زمین و از آسمون ، غریب و کولی می باره  
از همه چی که بگذریم ، تمامشم دروغ نبود  
شاید به خاطر همین ، سرش زیاد شلوغ نبود  
سر اونو که راس می گن ، همیشه خیلی خلوته  
چه توی فال ، چه زندگی ، دنیا پر از خیانته  
کف بین پیر هر چی که گفت دلم یه گوشه ای نوشت  
تا ببینه حق با اونه یا بازیای سرنوشت  
همه شبیه همشدیم ، فالامونم عین همه  
اما فقط اون از کجا دونست که اسمم مریمه ؟  
این که تموم شد و گذشت اما عجب کف بیمی بود

ته دلش زلالترا از پیش گویای چینی بود  
دسام براش فرقی نداشت ، اون با دلش فالمو گفت  
از بعضی حرفا بگذریم ، دروغ چرا ، راستشو گفت  
دل و بین که همه جا یه جور به دردت می خوره  
یکی باهاش فال می گیره ، یکی پولاشو می شمره  
خلاصه که دلای پک ، قسمت هر کس نمی شه  
دلای روشن و زلال مال غریباس همیشه  
اینم یه قصه ی عجیب ، فالی که چیزی نمی خواست  
کف بینی با یه قلب صاف ، نه دست چپ نه دست راست

## لالایی بی لالایی

دیگه براش نمی خونم ، لالایی بی لالایی  
انگار راحت تر می خوابه با نغمه ی جدایی  
ای پونه ها ، اقا قیا ، شقایق ای خسته  
کبوتر ، قناریا ، جغدای دل شکسته  
قصه ی کهنه ی شما آخر اونو نخوابوند  
ترس از لولو مرده دیگه پشت درای بسته  
دیگه براش نمی خونم ، لالایی بی لالایی  
انگار راحت تر می خوابه با نغمه ی جدایی  
بارونای ریز و درشت و عاشق بهاری  
ماه لطیف و نقره ای ، عکسای یادگاری  
آسمون خم شده از غصه ی دور دریا  
شبای یلدای پر از حق و بی قرار  
دیگه براش نمی خونم ، لالایی بی لالایی  
انگار راحت تر می خوابه با نغمه ی جدایی  
روز و شبای رد شده ، چه قدر ازش شنیدید  
چه لحظه هایی که اونو تو پیچ کوچه دیدید  
وقتی که چشماشو می بست ترنه ته می کشید

چه قدر برای خواب اون بی موقع ته کشیدید  
دیگه براش نمی خونم ، لالایی بی لالایی  
انگار راحت تر می خوابه با نغمه ی جدایی  
آدمگای آرزو ، ماهیای خاطره  
دیگه صدایی نمی یاد از شیشه ی پنجره  
دیگه کسی نیس که باش هزار و یک شب بگم  
رفت اونی که از اولم همش قرار بود بره  
دیگه براش نمی خونم ، لالایی بی لالایی  
انگار راحت تر می خوابه با نغمه ی جدایی  
برف سفید پشت بوم بی چراغ خونه  
دو بیتای بی پناه خیلی عاشقونه  
دیدید با چه یقینی دائم زیر لب می گفتم  
محاله اون تا آخرش کنار من بمونه  
دیگه براش نمی خونم ، لالایی بی لالایی  
انگار راحت تر می خوابه با نغمه ی جدایی  
پروانه ها بسوزید و دور چراغ بگردید  
شما دیگه رو حرفتون باشید و برنگردید  
یه کار کنید تو قصه های بچه های فردا  
نگن شما با آبروی شمع بازی کردید

دیگه براش نمی خونم ، لالایی بی لالایی  
انگار راحت تر می خوابه با نغمه ی جدایی  
تمام شبها شاهدم ، چیزی براش کم نبود  
قصه های تکراری تو هیچ جای حرفم نبود  
ستاره ها خوب می دونستن که براش می میرم  
اندازه ی من کسی عاشقش تو عالم نبود  
دیگه براش نمی خونم ، لالایی بی لالایی  
انگار راحت تر می خوابه با نغمه ی جدایی  
از بس نوشتم آخرش آروم و بی خبر ، رفت  
نمی دونم همین جاهاس یا عاقبت سفر رفت  
یه چیزی رو خوب می دونم اینکه تمام شعرام  
پای چشای روشنش بی بدرقه ، هدر رفت  
دیگه براش نمی خونم ، لالایی بی لالایی  
انگار راحت تر می خوابه با نغمه ی جدایی  
لالایا مال اوناس که عاشقن ، دل دارن  
شب و می خوان ، با روزو با شلوغی مشکل دارن  
کسایی که هر چی که قلبشون بگه گوش می دن  
واسه شراب خاطره ، کوزه ای از گل دارن  
دیگه براش نمی خونم ، لالایی بی لالایی



انگار راحت تر می خوابه با نغمه ی جدایی  
دیگه شبای بارونی ، چشم من ابری تیره  
با عکس اون شاید یه ساعتی خوابم می بره  
منتظر هیچ کس نیستم تا یه روزی بیاد  
با دستاش آروم بزنه به شیشه ی پنجره  
دیگه براش نمی خونم ، لالایی بی لالایی  
انگار راحت تر می خوابه با نغمه ی جدایی  
ته دلم همش می گم اگه بیاد محشره  
دلم با عشقش همه ی ناز اونو می خره  
من نگران چشمای روشنشم یه عالم  
یعنی شبا بی لالایی راحت خوابش می بره ؟  
من حرفمو پس می گیرم باز می خونم لالایی  
اگه بیاد و نزنه ، باز ساز بی وفایی  
انقدر می خونم تا واسه همیشه یادش بره  
رها شدن ، کنار من نبودن و جدایی  
لالالایی شبای سکت و پرستاره  
کاش کسی پیدا شه ازش برام خبر بیاره  
آرزومه یه شب بیاد و با نگاهش بگه  
کسی رو جز من توی این دنیای بد نداره

## بی وفا ، انصافت کجاس ؟

تاز گیا سفر می ری  
جاہای پر خطر می ری  
بی سر صدا بدون من  
تا ساحل خزر می ری  
بی وفا انصافت کجاس  
رفتن و نازت مال ماس  
تاز گیا امون می دی  
گل شدی ، دس تکون می دی  
یہ جوری بہ غریبہ ہا  
اداہاتو نشون می دی  
بی وفا انصافت کجاس  
رفتن و نازت مال ماس  
تاز گیا ، دوری چقدر  
سکت و مغروری چقد  
چہ کم باہام حرف می زنی  
راس راسی مجبوری چقدر  
بی وفا انصافت کجاس

رفتن و نازت مال ماس  
تازگیا طلا شدی  
کم شدی ، کیمیا شدی  
دیگه صدام نمی کنی  
عین غریبه ها شدی  
بی وفا انصافت کجاس  
رفتن و نازت مال ماس  
تازگیا باهان بدی  
گفتی میام ، نیومدی  
نگفته بودی انقدر  
بازی با قلب و بلدی  
بی وفا انصافت کجاس  
رفتن و نازت مال ماس  
تازگیا سرده نگات  
دیگه نمی لرزه صدات  
برقی که دنبالش بودم  
رفته دیگه از تو چشات  
بی وفا انصافت کجاس  
رفتن و نازت مال ماس

تازگیا را نمی یای  
سر قرارا نمی یای  
زمستونا نیومدی  
حالا بهارا نمی یای  
بی وفا انصافت کجاس  
رفتن و نازت مال ماس  
تازگیا کم شدی ، کم  
یه عالمه دوری ازم  
نمی شه پیدات بکنم  
حتی واسه دوست دارم  
بی وفا انصافت کجاس  
رفتن و نازت مال ماس  
تازگیا خیال کنم  
باید ازت سوال کنم  
خیال داشتن تو رو  
تو رویاهام محال کنم  
بی وفا انصافت کجاس  
رفتن و نازت مال ماس  
تازگیا ، کم می یارم

به جای بارون ، می بارم  
یه جووری فرصت بده که  
بگم چه قدر دست دارم  
بی وفا انصافت کجاس  
رفتن و نازت مال ماس  
تازگیا چه ناز شدی  
عجیبی ، عین راز شدی  
شعر و ترانتم خوبه  
کلی ترانه ساز شدی  
بی وفا انصافت کجاس  
رفتن و نازت مال ماس  
تازگیا چه بی حواس  
عاشق داری از چپ و راس  
بی وفا انصافت کجاس  
رفتن و نازت مال ماس  
تازگیا خیلی زیاد  
همش تو رو یادم می یاد  
می ترسم از فکرای تو  
بلاهایی سرم بیاد

بی وفا انصافت کجاس  
رفتن و نازت مال ماس  
تاز گیا عجیب شدی  
تنها که نه ، غریب شدی  
به ما که می رسی یه کم  
نجیب بودی ، نجیب شدی  
بی وفا انصافت کجاس  
رفتن و نازت مال ماس  
تاز گیا حرف شماس  
همش می گی دست خداس  
اما بذار بهت بگم  
حسابت از همه جداس  
بی وفا انصافت کجاس  
رفتن و نازت مال ماس  
تاز گیا تو سال نو  
بدجور می میرم واسه تو  
چون می دونی دوست دارم  
ناز نکن از پیشم نرو  
بی وفا انصافت کجاس

رفتن و نازت مال ماس

نامه رسید به آخر

باید سپردت به خدا

فقط یه قولی بده که

دلت بمونه پیش ما

بی وفا انصافت کجاس

رفتن و نازت مال ماس

امضای نامه اولی

سرخه و خیلی مخملی

با عطر کلی گل سرخ

با چشم یه کم عسلی

بی وفا انصافت کجاس

رفتن و نازت مال ماس

بمون که ثابت بکنی

حسابت از همه جداس

## نه... دل به دل را نداره

سوختم و آب شدم به پات

امروز و فردا نداره

خوشت میاد بینی ، نه ؟

کشتن تماشا نداره

قهر می کنی ، ناز می کنی

ناز می کشم ، آشتی کنی

قصه که نیس ، حقیقته

دروغ و دعوا نداره

ضرب المثل دروغ می گه

نه ... دل به دل را نداره

عاشق و طردش می کنن

تو هیچ دلی جا نداره

دوره زمونه دوره ی حرفای عاشقانه نیست

صحبت پول و شهرته ، صحبتی از ترانه نیست

یه روز منو خواسته بودی ، یه روز خیلی خوب دور

امروز چه راحت نمی خوای ، من بد شدم بهانه نیست

ضرب المثل دروغ می گه



نه ... دل به دل را نداره  
عاشق و طردش می کنن  
تو هیچ دلی جا نداره  
اگه بفهمن عاشقی ، همه بهت بد می کنن  
نسبت دیوونه می دن دست تو رو رد می کنن  
اگه بخوای بجنگی با دستای شوم سرنوشت  
با هر چی آدمک دارن ، راه تو رو سد می کنن  
ضرب المثل دروغ می گه  
نه ... دل به دل را نداره  
عاشق و طردش می کنن  
تو هیچ دلی جا نداره  
بفهمه عاشقش شدی هی با تو بازی می کنه  
دیوونه ، آزار اونم با تو رو راضی می کنه ؟  
رفتی کجا در می زنی ، اون خود یه رات نمی ده  
غریبه جای اون باشه مهمون نوازی می کنه  
ضرب المثل دروغ می گه  
نه ... دل به دل را نداره  
عاشق و طردش می کنن  
تو هیچ دلی جا نداره

کافیه چیزی بدونه ، کار تو دیگه مردنه  
دیگه وظیفه اسمشو ، با صدتا جون آوردنه  
یه بازی یک طرفس ، که آخرش مشخصه  
همیشه بازنده تویی ، سهم اونم که بردنه  
ضرب المثل دروغ می گه  
نه ... دل به دل را نداره  
عاشق و طردش می کنن  
تو هیچ دلی جا نداره  
اگه بگی دوشش داری ، اون تو رو یادش نمی یاد  
فرقی نداره که چه قدر چه کم بدونه ، چه زیاد  
باید هنرپیشه باشی تا نقشو خوب بازی کنی  
یعنی که وانمود کنی یه جور ازش بدت بیاد  
ضرب المثل دروغ می گه  
نه ... دل به دل را نداره  
عاشق و طردش می کنن  
تو هیچ دلی جا نداره  
عاشق دیگه تو عصر ما هیچ جایی حرمت نداره  
انگار کسی نمره ی خوب واسه شجاعت نداره  
شاید یه جوری شده که هیچ آدمی تو عصر ما

برای انتخاب شدن ، اصلا لیاقت نداره  
ضرب المثل دروغ می گه  
نه ... دل به دل را نداره  
عاشق و طردش می کنن  
تو هیچ دلی جا نداره  
رنگ گل دسته گلا ، فقط رز زرده همین  
عاشق هر کس که بشی عاقبتش درده همین  
هر کی یه گمشده داره ، تمام دلخوشیش اینه  
اگر یه روز معجزه شه ، اگر که برگرده همین  
ضرب المثل دروغ می گه  
نه ... دل به دل را نداره  
عاشق و طردش می کنن  
تو هیچ دلی جا نداره  
زمونمون عوض شده ، دوره نفرینه و جنگ  
زیاد شدیم ، زیاد شده آدم بدرنگ و دورنگ  
قلب کوچیک عاشقو با یه اشاره می شکنه  
اون کسی که دوشش داره ، با تیر کمون با چوب و سنگ  
ضرب المثل دروغ می گه  
نه ... دل به دل را نداره

عاشق و طردش می کنن

تو هیچ دلی جا نداره

تا بدونه عاشقش می ره و پیدا نمی شه

می گی می خوام بینمت می گه نه حالا نمی شه

با هدیه ی تولدش می خوای یه جووری ببینیش

می خوای یه جووری بفرست ببخشید اما نمی شه

ضرب المثل دروغ می گه

نه ... دل به دل را نداره

عاشق و طردش می کنن

تو هیچ دلی جا نداره

اگر که حدسم بزنه نمی دونی چیکار کنی

عاشقی خب ، مگه می شه از عاشقی فرار کنی ؟

فکر می کنی اون بدونه خیلی کارت راحت تره

حتی تو رویاهات می خوای که اونو بی قرار کنی

ضرب المثل دروغ می گه

نه ... دل به دل را نداره

عاشق و طردش می کنن

تو هیچ دلی جا نداره

هر جووری که بود چه خوب چه بد ، آروم شدی

یه کم گذشت و دیدی که مردی دیگه ، حروم شدی  
یه روزی چشم وای می کنی که خودتم نمی شناسی  
فقط تو اینه می بینی آخرشه ، تموم شدی  
ضرب المثل دروغ می گه  
نه ... دل به دل را نداره  
عاشق و طردش می کنن  
تو هیچ دلی جا نداره  
تو عاشق کسی می شی که عاشق غریبه هاس  
گریه و زاری می کنی می گی امیدت به خداس  
درسته اما اون که تو شبا برایش زار می زنی  
راهش و کارش و دلش ، حسابی از شما جداس  
ضرب المثل دروغ می گه  
نه ... دل به دل را نداره  
عاشق و طردش می کنن  
تو هیچ دلی جا نداره  
خوش به حال معشوقایی که بویی از قدیم دارن  
تو اعتقادشون شگون ، برای یا کریم دارن  
معشوقای زمون ما چون عاشقو بسوزونن  
واسه دل اون طفلکی یه عالمه کریم دارن

ضرب المثل دروغ می گه

نه ... دل به دل را نداره

عاشق و طردش می کنن

تو هیچ دلی جا نداره

ضرب المثل کاش راس بود و دلا به هم یه راهی داشت

اون که واسه تو ماه شده ، ای کاش که روی ماهی داشت

کاش عاشق بیچاره ای که بی دلیل اسیر می شه

یه روز یه کاری کرده بود ، یه جرمی یه گناهی داشت

ضرب المثل دروغ می گه

نه ... دل به دل را نداره

عاشق و طردش می کنن

تو هیچ دلی جا نداره

کاش واسه بیراهه ی دل ، یه جا یه راه چاره بود

کاش که علاجش عین قبل ، دعا و استخاره بود

کاش واسه هر عاشقی که شباپی ستارشه

تو دنیا محض دلخوشی ، یک شب پر ستاره بود

ضرب المثل دروغ می گه

نه ... دل به دل را نداره

عاشق و طردش می کنن

تو هیچ دلی جا نداره  
ای عاشق‌ای بی گناه ، ما همه زرد و بی کسیم  
تنه‌ایم عین آسمون ، آواره ایم عین نسیم  
همه باید یاد بگیریم که مثل مجنون بزرگ  
عاشق هر کسی بشیم ، آخر بهش نمی رسیم  
ضرب المثل دروغ می گه  
نه ... دل به دل را نداره  
عاشق و طردش می کنن  
تو هیچ دلی جا نداره

## دویتی

دیشب کلام نقره ی نازت عجیب بود  
با من که آشنای تو بودم ، غریب بود  
بود و میهمان و تو و ماه و آسمان  
زیبا خیال می کنم او یک رقیب بود

## تک یتی

مگه ازت چی کم دارم که روز و شب ناز می کنی  
فکر می کنی ازم سری ، بال داری ، پرواز می کنی ؟  
ما رو بگو سپردیمش دل و چشامونو به کی  
اون که به زندگی می گه ، نمایش عروسکی  
دارم از تو می نویسم تو یه روز سرد برفی  
قلم نمی نویسه ، می گه تو نداری حرفی  
برو دیگه نبینمت ، خاطر خواهیت دروغ بوده  
تو خلوتتم با گریه هام ، چه قدر سرت شلوغ بوده  
روشنی چشات نداره مرزی  
تو خیلی بیشتر از اینا می ارزی